

زیارت قبور و سفرهای زیارتی از نگاه اهل سنت



زیارت قبور و سفرهای زیارتی از نگاه اهل سنت

مسلمانان از دیرباز قبور افرادی را که به نظر آنها صالح و شایسته بودند، زیارت می‌کردند و این رویکرد به صورت رویه، سیره و عادت مسلمانان شده است. بدیهی است که لازمه زیارت قبور، طی مسافت بین محل اسکان زائر تا قبر مورد نظر است. از اینجا مسئله «شد حال» و سفر به منظور زیارت قبور مطرح می‌شود. قریب به اتفاق علمای اهل سنت با گرایش‌های گونا گونی که دارند، زیارت قبور و شد حال برای این منظور را مجاز می‌دانند. البته بر زیارت قبر شریف پیامبرصل الله علیه و آله و سلم تأکید بیشتری دارند. حتی برخی زیارت این مرقد شریف را واجب می‌دانند. در این مقاله روایاتی درباره فضیلت زیارت اهل قبور، به ویژه قبر مطهر حضرت رسولصل الله علیه و آله و سلم، آورده‌ایم و نمونه‌های قابل توجهی از زیارت‌هایی را که افراد سرشناس اهل سنت - اعم از سیاسی یا مذهبی - از قبور صالحان، به ویژه رسول گرامی اسلام، انجام داده‌اند و در کتاب‌های تاریخ غیر آن ثبت شده، طرح کرده‌ایم. به برخی توسلات اهل سنت اشاره کرده‌ایم و بعضی از شبهاتی را که در این زمینه بازگو کرده‌اند، پاسخ گفته‌ایم. با وجود روایات فراوانی که در زمینه زیارت قبور وجود دارد و علی‌رغم سیره مسلمانان و اجماعاتی که در خصوص مشروعیت یا فضیلت زیارت قبر مقدس نبویصل الله علیه و آله و سلم ادعا شده، تعداد بسیار محدودی مانند ابن‌تیمیه به مخالفت پرداخته‌اند و زیارت و توسل به صالحان را نادرست و شرک دانسته‌اند. ولی علمای اهل سنت پاسخ‌های دندان‌شکنی به این افراد داده‌اند که در این مقاله شماری از آنها ذکر می‌شود.

مقدمه

به دلیل اینکه بعد اصلی حیات انسان را روح او تشکیل می‌دهد و از سنخ مجردات است، با مرگ، همچنان باقی است و از بین نمی‌رود. بنابراین، باید دانست که زیارت قبور، زیارت سنگ و گچ و در و دیوار قبور و امثال آن نیست؛ بلکه زیارت روح و بعد اصلی انسان بعد از مرگ اوست؛ و علت آمدن زائر کنار قبر برای علاقه و ارتباطی است که روح به پیکر خود دارد. برای همین، گفته شده که رابطه و جاذبه ذاتی روح و بدن هرگز گسیخته نخواهد شد؛ حتی بعد از مرگ. [1] برای همین بین کسی که از راه دور با یک روح ارتباط برقرار می‌کند با کسی که کنار قبر او می‌آید، تفاوت وجود دارد. این تفاوت در عکس‌العمل روح به زائر قبر است. یعنی واکنش روح یک مرده، که شایستگی لازم را داشته باشد و انسان صالحی باشد، به فردی که کنار قبرش می‌آید در مقایسه با فردی که از راه دور با او ارتباط برقرار می‌کند، واکنش بهتری خواهد بود. ظاهراً تمامی مسلمانان از اصل این موضوع اطلاع دارند. برای همین رنج سفر را بر خود هموار می‌کنند و کنار قبور مورد نظر خود، به ویژه قبر مطهر و منور پیامبرصل الله علیه و آله و سلم، می‌روند؛ و چون می‌دانند که آن حضرت این توانایی را دارد که در دعاها و درخواست‌های مشروع آنها وسیله و واسطه برای گرفتن نتیجه بهتر باشد، به روح ملکوتی و مقدسش متوسل می‌شوند. بنابراین، توسل از نگاه عقلی امکان‌پذیر است و برای زیارت قبور منعی از نظر عقل وجود ندارد. مقدمه آن هم، که سفر و طی طریق باشد، لازم است؛ زیرا در غیر این صورت، زیارت قبور صورت

نمی‌گیرد. دلایل نقلی هم منع و رادعی برای زیارت قبور و دعا در کنار قبور و توسل به ارواح مردگان، به ویژه صالحان، نمی‌بیند؛ بلکه آن را توصیه می‌کند؛ مخصوصاً در خصوص انبیا و شخصیت‌های معنوی و از همه بیشتر راجع به قبر منور رسول خداصلی الله علیه و آله و سلم. بدیهی است که «شد رحال» و مسافرت برای این منظور، فضیلت دارد و دست‌کم امری مجاز و مشروع است.

در این مقاله برخی دلایل نقلی درباره مشروعیت و فضیلت زیارت قبور و سفر برای این منظور را طرح می‌کنیم و فتاوی‌های شماری از علمای اهل سنت و برخی اجماعاتی را که در مشروعیت زیارت ادعا شده، حکایت می‌کنیم و به سیره مسلمانان در این خصوص تا حدود قابل ملاحظه‌ای می‌پردازیم و به برخی شبهات زیارت پاسخ می‌گوییم. ضرورت طرح این موضوع ناشی از دامن زدن وهابیان به غیرمجاز بودن این عمل و غیرمجاز بودن مسافرت برای این مقصود است که این تیمیه و هم‌فکران او طرح کرده‌اند و متأسفانه در این دوره هم پیروانی دارد.

نگاه اهل سنت به زیارت قبور و سفرهای زیارتی

غالب اهل سنت از دیرباز تا کنون از اطراف و اکناف جهان برای زیارت قبوری که به نحوی با آنها ارتباط داشته، مخصوصاً قبور صالحان و قبر شریف پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم سفرهای زیارتی می‌کرده‌اند. آرا و فتاوی‌های بسیاری از علمای سنی هم بر جواز یا رجحان و فضیلت قبور صالحان و قبر شریف رسول خداصلی الله علیه و آله و سلم است. در این مقاله نخست، پاره‌ای از روایاتی را که در زمینه زیارت قبور وارد شده، یادآوری می‌کنیم. آنگاه به شماری از فتاوی‌های اهل سنت و رویه عملی و رویکرد آنها در موضوع زیارت، که به طور مطابقی یا التزامی بر جواز یا رجحان سفرهای زیارتی دلالت می‌کند، می‌پردازیم. در ضمن این مباحث به برخی شبهات مطرح‌شده و پاسخ آنها اشاره خواهیم کرد.

روایاتی درباره فضیلت زیارت قبور، به ویژه قبر شریف پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم

با توجه به پاره‌ای از روایات که درباره فضیلت زیارت قبور، به ویژه زیارت قبر منور رسول‌اللهصلی الله علیه و آله و سلم است، مشخص می‌شود که سفر برای زیارت قبور جایز یا مستحب است. چون ذی‌المقدمه جز با طی طریق و پیمودن مسافت، محقق نمی‌شود، بنابراین از باب «ما لا یتیم الشیء الا به» باید سفر یا پیمودن مسافت بین منزل (یا محل سکونت و مانند آن) و قبر مزور، محقق شود و لذا «سفر» یا طی طریق - در صورتی که بر پیمودن مسافت‌های کوتاه عنوان «سفر» اطلاق نشود - مستحب و لاقبل، جایز و مشروع است.

ابن حجر می‌گوید ابوالشیخ در کتاب *الثواب* به سند جید این روایت را از رسول خداصلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «من صلی علی عند قبری سمعته ...». [2] احمد بن صدیق غماری اسناد این حدیث را «نظیف» [3] دانسته است. [4]

عبدالله بن عمر نقل کرده است که پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من زار قبری و جبت له شفاعتی». گفته شده که درجه این حدیث، «حسن» است. [5] ابن حجر هیتمی در تعلیقه خود بر این حدیث در حاشیه‌ی الايضاح می‌نویسد: «الحديث ... يشمل الذكر والانثی من قرب او بعد فيستدل به علی فضیلة شد الرحال لذلك و ندب السفر للزيارة اذ للوسائل حکم المقاصد». [6]

ابوهریره از پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن بزرگوار فرمودند: «ما من احد یسلم علی الا رد الله علی روحی حتی ارد علیه السلام». نووی می‌گوید این حدیث را ابوداوود به اسناد صحیح نقل کرده است. [7]

شربینی، از علمای شافعی قرن دهم هجری، از ابن سکن در سنن خود، که صحاح مأثورہ 4، مطرح کرده، این روایت را از رسول خداصلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «من جاءنی زائراً لم تنزعه حاجة الا زیارتی، کان حقاً علی الله تعالی ان اکون له شفیعاً یوم القيامة».[8]

بخاری در صحیح خود این روایت را از پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم حکایت کرده است: «من صلی علی عند قبری، وکل الله به ملکاً یبلغنی و کفی امر دنیاہ و آخرتہ و کنت له شفیعاً او شهیداً یوم القيامة».[9]

واقدی، تاریخ نگار قرن دوم و سوم هجری، درباره روایت رسول خداصلی الله علیه و آله و سلم در ترغیب مردم به زیارت شهدای جنگ احد می نویسد: «و مر رسول الله علی مصعب بن عمیر فوق علیہ، و دعا، و قرأ: رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیہ فمِنْهُمْ من قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ من ینْتَظِرُ وَ ما بَدَلُوا تَبْدِیلاً، أشهد أنّ هؤلاء شهداء عند الله یوم القيامة، فأتوهم و زورهم و سلّموا علیهم. و الذی نفسی بیده، لا یسلّم علیهم أحد إلی یوم القيامة إلا ردّوا علیہ».[10]

قرطبی به نقل از امام علی% روایت ذیل را از رسول خداصلی الله علیه و آله و سلم درباره ثواب خواندن 11 مرتبه سوره توحید هنگام مرور به قبور مسلمانان این گونه ذکر کرده است: «من مر علی المقابر و قرأ قل هو الله احد احدی عشر مرة ثم وهب اجره للاموات، اعطی من الاجر بعدد الاموات».[11]

آرا و فتاوی اهل سنت درباره زیارت و سفرهای زیارتی

در اینجا آرا و فتاوی شماری از علمای اهل سنت درباره توسل و شفاعت و فضیلت زیارت گزارش می شود. این آرا و فتاوا به دلالت مطابقی یا التزامی به مشروعیت و جواز یا استحباب سفرهای زیارتی دلالت می کند. در برخی از فتاوا هم به استحباب سفر برای زیارت مرقد مقدس پیغمبرصلی الله علیه و آله و سلم تصریح شده است.

1. ابن هبیره (متوفای 560 ه.ق.) در کتاب *اتفاق الأئمة* می گوید: «اتفق مالک والشافعی و أبو حنیفة و أحمد بن حنبل رحمهم الله تعالی علی أن زیارة النبی صلی الله علیه وسلم مستحبة».[12]

2. احمد بن حنبل می گوید: «إذا دخلتم المقابر فافروا الفاتحة والمعوذتين».[13]

3. علامه أبو عمران فاسی (متوفای 403 ه.ق.) می گوید: «أن زیارة النبی صلی الله علیه وسلم واجبة».[14]

4. قرطبی، از مفسران قرن هفتم هجری (متوفای 671 ه.ق.)، می نویسد: «و ینبغی لمن عزم علی زیارة القبور، ان یتأدب بآدابها و یحضر قلبه فی اتیانها ... و یسلم اذا دخل المقابر و یخاطبهم خطاب الحاضرين فیقول: السلام علیکم دار قوم مؤمنین».[15]

5. شمس الدین بن عبد الواحد مقدسی، از علمای حنبلی مذهب و متوفای 663 ه.ق.، بعد از نقل چند حدیث درباره زیارت اهل قبور و فضیلت و ثواب قرائت قرآن برای اموات (یعنی حدیث «من مر علی المقابر و قرأ قل هو الله احد احدی عشر مرة ثم وهب اجره للاموات، اعطی من الاجر بعدد الاموات» و حدیث «من دخل المقابر ثم قرأ فاتحة الكتاب و قل هو الله احد و الهیکم التکثیر ثم قال: انی جعلت ما قرءت من کلامک لاهل المقابر من المؤمنین و المؤمنات، کانوا شفعاء له الی الله تعالی» و «من دخل المقابر فقرأ سورة يس، خفف الله عنهم و کان له بعدد من فیها من الحسنات») در یک جمع بندی می نویسد: «و هذه الاحادیث و ان كانت ضعيفة فمجموعها يدل علی ان لذلك اصلاً و ان المسلمین ما زالو فی کل مصر و عصر یجتمعون و

یقرؤون لموتاهم من غیر نکیر فکان ذلک اجماعاً» [16].

6. نووی، از فقهای شافعی مذهب و متوفای 676 ه.ق.، درباره زیارت قبور به طور کلی می‌گوید: «اتفقت نصوص الشافعی والاصحاب علی انه استحباب للرجال زیارة القبور و هو قول العلماء كافة نقل العبدری فیہ اجماع المسلمین، دلیله مع الاجماع الاحادیث الصحیحة المشهورة ... و اما النساء فقال المصنف [ای صاحب المذهب] و صاحب البیان: لا تجوز لهن زیارة ... والذی قطع به الجمهور انها مکروهة لهن کراهة تنزیه و ذکر الرویانی فی البحر وجهین: احدهما یکره كما قاله الجمهور والثانی لا یکره قال: و هو الاصح اذا امن الافتنان» [17].

7. نووی در موضعی دیگر درباره فضیلت زیارت مرقد مطهر نبویصل الله علیه و آله و سلم و سفر حجاج برای این منظور می‌گوید: «و اعلم ان زیارة قبر رسول الله صل الله علیه و آله و سلم من اهم القربات و انجح المساعی فاذا انصرف الحجاج والمعتمرون من مكة، استحباب لهم استحباباً مؤكداً ان يتوجهوا الى المدينة لزیارتهم صل الله علیه و آله و سلم و ینوی الزائر مع زیارة التقرب و شد الرحل الیه» [18].

8. ابن قدامه، متوفای 620 ه.ق. و از فقهای حنبلی مذهب، درباره جواز سفرهای زیارتی می‌گوید: «فان سافر لزیارة القبور والمشاهد، فقال ابن عقیل: لا یباح له الترخص؛ لانه منهی عنه السفر الیها قال النبیل صل الله علیه و آله و سلم: «لا تشد الرحال الا الی ثلاثة مساجد» متفق علیه. والصحیح اباحتہ و جواز القصر فیہ لان النبیل صل الله علیه و آله و سلم کان یأتی قباء راکباً و ماشیاً و کان یزور القبور و قال: «زوروا القبور تذكركم الاخرة» واما قوله «لا تشد الرحال ...» فیحمل علی نفی التفضیل لا علی التحریم»؛ یعنی اگر انسان به منظور زیارت قبرها و مشاهده سفر کند، ابن عقیل گوید ترخص برای او مباح نیست [یعنی نمی‌تواند نمازش را شکسته بخواند]؛ چون سفر برای این‌گونه امور منهی عنه است: رسول خدا (ص) می‌فرماید «مسافرت جز به مقصد سه مسجد روا نیست» این حدیث را بخاری و مسلم روایت کرده‌اند و همه علما بر آن اجماع دارند. [ابن قدامه در پاسخ به ابن عقیل گوید: نظر صحیح، مباح بودن چنین سفری و جواز قصر نماز در آن است؛ چراکه پیامبر (ص) پیاده و سواره به مسجد قبا می‌رفت و به زیارت قبور می‌پرداخت و فرمود: «به زیارت قبور بپردازید؛ چراکه آخرت را به یاد شما می‌اندازد». منظور آن حضرت از «لا تشد الرحال ...» نفی تفضیل مسافرت به غیر از آن سه مسجد است نه اینکه سفر به دیگر مساجد و بقاع حرام باشد.

9. ابن الجزری، از علمای شافعی مذهب و متوفای 833 ه.ق.، در کتاب *الحصن الحصین* می‌نویسد: «أن من آداب الدعاء أن يتوسل الداعي إلى الله تعالى بانبيائه والصالحين من عباده» [19] بدیهی است که اگر انسان بخواهد کنار قبور مطهر انبیا و قبور صالحان به ارواحشان توسل پیدا کند، باید به اماکنی که این مزارها در آن اماکن است، سفر کند؛ و این یعنی استحباب یا جواز شد رحال برای این مقصد.

10. ابن الحاج (عبدری مالکی)، متوفای 727 ه.ق.، در کتاب *شرح الرسالة* در اهمیت فوق‌العاده حرکت و سفر زیارت مرقد مقدس نبویصل الله علیه و آله و سلم و ترجیح آن بر حرکت و سفر برای زیارت کعبه و بیت المقدس می‌گوید: «ان المشی الی المدينة لزیارة قبر النبیل صل الله علیه و آله و سلم افضل من المشی الی الکعبة و بیت المقدس» [20] حصنی دمشقی در تأیید سخن عبدری می‌نویسد: «صدق و اجاد (رض) لانه افضل البقاع بالاجماع» [21].

ابن الحاج درباره عظمت انبیای الهی و سفر برای زیارت قبور شریفشان و آداب زیارت و اینکه ابدان مطهرشان صحیح و سالم است و زائر باید به هنگام زیارت، به حال انکسار و خضوع باشد و به آن بزرگواران برای غفران گناهان و رسیدن به نیازمندی‌های شرعی توسل پیدا کند و یقین

به اجابت دعا داشته باشد - چراکه ابواب رحمت الهی هستند و سنت الهی بر این جاری گشته که حوایج مردم به دست آن بزرگواران برآورده شود- در کتاب المدخل می نویسد: «و أما عظیم جناب الأنبياء، والرسل صلوات الله و سلامه عليهم فيأتي إليهم الزائر، و يتعين قصدهم من الأماكن البعيدة. فإذا جاء إليهم فليتنصf بالذل، والانكسار، والمسكنة، الفقر والفاقة، والاضطرار، والخضوع، و يحضر قلبه و خاطره إليهم، و إلى مشاهدتهم بعين قلبه لا بعين بصره، لأنهم لا يبلون و لا يتغيرون ...، ثم يتوسل إلى الله تعالى بهم في قضاء مآربه و مغفرة ذنوبه، و يستغيث بهم و يطلب حوائجه منهم، و يحزم بالاجابة ببركتهم، و يقوى حسن ظنه في ذلك، و انهم باب الله تعالى المفتوح، و جرت سنة الله سبحانه على قضاء الحوائج على أيديهم و بسببهم». [22]

12. شمس الدين ذهبی، متوفای 748 ه.ق.، در موضعی از کتاب سیر اعلام النبلاء، در اواخر شرح حال از سیده «نفيسه» به عنوان «قیل»، درباره جایگاه معنوی سیده نفيسه و مستجاب بودن دعا کنار قبر وی، می نویسد: «و قيل كانت من الصالحات العوايد والدعاء مستجاب عند قبرها». ذهبی در ادامه، نظر و عقیده خود را درباره مستجاب بودن دعا کنار قبور صالحان و پیامبران و اماکن مقدس، این گونه ذکر می کند: «بل و عند قبور الانبياء والصالحين و فى المساجد و عرفة و مزدلفة ...». [23] وقتی دعا و حاجات انسان در این اماکن شریف مخصوصاً جوار قبر مطهر پیامبرصل الله عليه و آله و سلم مطلوب و مستجاب باشد، قطعاً شد رحال و مسافرت برای تشرف به این اماکن مستحب و لااقل مباح و مجاز خواهد بود.

12. حصنی دمشقی، از علمای قرن نهم هجری، درباره سنت زیارت قبر شریف پیامبرصل الله عليه و آله و سلم و سیره مسلمانان در تمامی اعصار و امصار و نیز زیارت قبور مطهر انبیا می گوید: «زيارة قبر النبيصل الله عليه و آله و سلم سنة سائرة بين المسلمين و لم تزل الناس على زيارة قبر الخليل والكليم و غيرهما فى سائر الاعصار من جميع الامصار». [24]

13. صاحب التلخيص، از علمای حنبلی مذهب، می نویسد: «لا يأس بالتوسل في الاستسقاء بالشيوخ، والعلماء المتقين». [25]

14. بدرالدين عینی، شارح صحیح بخاری و متوفای 923 هجری، به نقل از استاد خود به نام زین الدین درباره نیکو بودن و جواز بوسیدن دست و پای صالحان و اماکن مقدس و اینکه احمد بن حنبل بوسیدن قبر و منبر شریف پیامبرصل الله عليه و آله و سلم را مجاز می دانست، می نویسد: «و اما تقبيل الاماكن الشريفة على قصد التبرک و كذا تقبيل ايدى الصالحين و ارجلهم، فهو حسن محمود باعتبار القصد و النية ... اخبرنى الحافظ ابو سعيد العلائى قال رأيت فى كلام احمد بن حنبل فى جزء قديم عليه خط ابن ناصر و غيره من الحفاظ ان الامام احمد سئل عن تقبيل قبر النبى و تقبيل منبره فقال: لا بأس بذلك. قال فأریناه للشيخ تقى الدين بن تيمية فصار يتعجب من ذلك و يقول عجت احمد عندى جليل يقوله هذا كلامه او معنى كلامه. و قال اى عجب فى ذلك و قد روينا عن الامام احمد انه غسل قميصاً للشافعى و شرب الماء الذى غسله به». [26]

وقتی بوسیدن اماکن شریف و مقبره های صالحان، به ویژه انبیا و نبی مکرم اسلام کاری حسن باشد، مقدمه آن، که سفر باشد، هم حسن است و لااقل باید جایز باشد و الا چگونه می توان به این کار محمود و حسن اقدام کرد؟

15. زکریا بن محمد انصاری، از علمای شافعی مذهب و متوفای 936 ه.ق.، درباره مستحب بودن زیارت مرقد شریف نبویصل الله عليه و آله و سلم برای حاجی ها و غیر آنها می نویسد: «و سن شرب ماء زمزم ... و زيارة قبر النبيصل الله عليه و آله و سلم و لو لغير حاج و معتمر». [27]

16. موسی بن احمد حجاوی حنبلی، مفتی حنابله در دمشق و متوفای 960 ه.ق.، در کتاب

الاقناع بر سنت بودن زیارت قبر شریف پیامبرصل الله علیه و آله و سلم برای همگان، مردها و زنها، فتوا داده است. [28] وی در موضعی دیگر می‌گوید: «و اذا فرغ من الحج، استحب له زیارة النبی». [29]

17. احمد بن نجار فتوحی، از عالمان حنبلی‌مذهب و متوفای 1064 ه.ق.، نویسنده کتاب منتهی الارادات، می‌گوید: «و یباح التوسل بالصالحین». ابن‌مفلح حنبلی نیز همین نکته را در فروع خود ذکر کرده است. [30]

18. شارح کتاب الاقناع، یعنی منصور بن یونس بهوتی حنبلی، متوفای 1051 ه.ق.، بر سنت بودن زیارت قبر شریف پیامبرصل الله علیه و آله و سلم برای همگان، مردها و زنها، فتوا داده، دلیل خود را عموم ادله زیارت آن حضرت ذکر کرده است. [31]

بهوتی مستند استحباب زیارت قبر شریف پیامبرصل الله علیه و آله و سلم را حدیث ابن‌عمر از رسول خداصل الله علیه و آله و سلم دانسته است که فرمود: «من حج فزار قبری بعد وفاتی فکانما زارنی فی حیاتی»؛ و حدیثی دیگر از آن حضرت که می‌فرماید: «من زار قبری، وجبت له شفاعتی». وی در دنباله کلام خود، سخنی از قاضی‌القضاة محب‌الدین بن نصر الله بغدادی حنبلی، متوفای 844 ه.ق.، درباره این نکته که لازمه استحباب زیارت قبر پیامبرصل الله علیه و آله و سلم استحباب شد رحال و سفر به آن موضع است، به صورت ذیل نقل کرده است: «قال ابن نصر الله: لازم استحباب زیارة قبرهصل الله علیه و آله و سلم استحباب شد الرحال الیه؛ لان زیارته للحاج بعد حجه لا تمکن بدون شد الرحال فهذا کالتصریح باستحباب شد الرحال لزیارته». [32]

بهوتی در موضعی دیگر حکم استفاده‌شده از حدیث «لا تشد الرحال...» را مانع سفر کردن به اماکن مقدس ندانسته است. یکی از دلایل بهوتی و امثال او سیره پیامبرصل الله علیه و آله و سلم در خصوص طی طریق برای زیارت قبور و مشرف شدن به مسجد قبا و حدیث ایشان درباره زیارت قبور است: «و حدیث "لا تشد الرحال الا الی ثلاثة مساجد" ... فلیس نهیاً عن شدها لغيرها خلافاً لبعضهم؛ لانه کان یأتی قباء راکباً و ماشياً و یزور القبور و قال: زورها فانها تذکرکم الآخرة». [33]

19. محمد بن اسماعیل کحلانی، متوفای 1182 ه.ق.، شد رحال (مسافرت) برای زیارت قبور را جایز دانسته است و منظور از حدیث «لا تشد الرحال...» را این دانسته که ثواب کامل و تام فقط در سفر به سوی سه مسجد مزبور به دست می‌آید نه اینکه سفر به سوی دیگر مساجد و اماکن، مجاز نباشد و اصلاً ثوابی نداشته باشد: «اما شد الرحال الی قبور الصالحین والمواضع الفاضلة، فقال الشیخ ابو محمد الجوینی: انه حرام ... قال النووی: والصحیح عند اصحابنا و هو الذی اختاره امام الحرمین والمحققون، انه لا یحرم و لا یکره قالوا: والمراد [بحدیث لا تشد الرحال الا الی ثلاثة مساجد ...] ان الفضیلة التامة انما هی فی شد الرحال الی الثلاثة خاصة». [34]

20. سید محمد امین، معروف به ابن‌عابدین، از علمای حنفی‌مذهب قرن سیزدهم و متوفای 1252 ه.ق.، درباره استحباب زیارت قبور در هر هفته می‌نویسد: «لا بأس بها [ای زیارة القبور] بل تندب ... و تزار فی کل اسبوع». [35]

ابن‌عابدین علت تأکید پیامبرصل الله علیه و آله و سلم بر «شد رحال» و سفر برای تشریف به مسجدالحرام و مسجدالنبی و مسجدالاقصی را ثواب مضاعف آنها می‌داند. وی معتقد است این حدیث ممنوعیتی برای سفر به مساجد دیگر و سفر برای مقاصد دیگر، که برای صلح رحم و زیارت قبور و غیر آن است، ایجاد نمی‌کند و اصلاً ناظر به چنین سفرهایی نیست. عبارت ابن‌عابدین در این خصوص به قرار ذیل است: «و فی الحدیث المتفق علیه: "لا تشد الرحال ..."

والمعنى: انه لا تشد الرحال لمسجد من المساجد الا لهذه الثلاثة لما فيها من المضاعفة بخلاف بقية المساجد فانها متساوية فى ذلك فلا يرد انه قد تشد الرحال لغير ذلك كصلة رحم و تعلم علم و زيارة المشاهد كقبر النبى و قبر الخليل و سائر الائمة». [36]

21. فقهاى مثل شوکانى، متوفای 1255 ه.ق.، هم در پاسخ به شبهه امثال ابن تیمیه که «شد رحال» و مسافرت برای زیارت قبر شریف پیامبر را به بهانه حدیث «لا تشد الرحال...» غیرمجاز دانسته‌اند، گفته‌اند: حصر در حدیث، حصر نسبى است نه حصر حقیقى. دلیل این ادعا توجه به حدیث «لا ینبغى للمطى ان یشد رحالها الى مسجد یتبغى فيه الصلاة، غیر مسجدى هذا والمسجد الحرام والمسجد الاقصى» که به اسناد حسن ثابت شده و قریب به معنا و مضمون حدیث «لا تشد الرحال...» است. این حدیث که پیرامون منظور پیامبرصل الله علیه و آله و سلم از عدم جواز سفر در حدیث «لا تشد الرحال...» وجود دارد، مشخص و مرتفع می‌کند. بنابراین حدیث «لا تشد الرحال...» نظری به سفرهایى که به قصد زیارت قبور و غیر آن است، ندارد. از سوى دیگر، ما می‌بینیم که علما بر جواز سفر به قصد تجارت و سایر حوایج دنیوی و وجوب سفر به عرفه برای وقوف به آن و به منی برای انجام مناسک مربوط به آنجا و به مزدلفه، و وجوب سفر برای جهاد و نبرد با دشمنان اسلام و وجوب سفر و هجرت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام و بر استحباب سفر برای کسب علم، اجماع و اتفاق نظر دارند. با این حال، چگونه می‌توان گفت که سفر برای زیارت قبر منور پیامبرصل الله علیه و آله و سلم جایز نیست؟! [37]

22. ملا حویث آل‌غازی، از علمای اهل سنت قرن چهارده هجری، درباره جواز توسل به قبور صالحان و زیارت قبور آنها و مسافرت برای این هدف و اینکه حدیث «لا تشد الرحال» ربطی به زیارت قبور صالحان ندارد و چون برکت و رحمت بر صالحان و انبیا نازل می‌شود، مجالست با آنها - در حال حیات یا ممات - موجب بهره‌برداری زائر از آن رحمت‌ها و برکت‌ها می‌شود، می‌گوید: «أما التوسل بجاهم لما يعتقد فيهم من التقرب إلى الله و عند الله و من الله فلا بأس به، و كذلك زيارة قبورهم كما ذكره صاحب المدخل رحمه الله في الجزء الأول في باب زيارة القبور، و جواز شد الرحال إليها، أما ما قاله صلى الله عليه و سلم: لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد مسجده و المسجد الأقصى والمسجد الحرام فلما فيها من التفاوت بالأجر، أما بقية المساجد فلا تفاوت فيها، لهذا لا يشملها و لا يدخل فيه زيارة قبور الأنبياء و الصالحين، إذ فيهم تفاوت لأن منهم من هو أقرب إلى الله من غيره فيجوز شد الرحال لزيارتهم والتبرك بهم أمواتا كما يجوز أحياء لأن مجالستهم بركة و قد تنزل الرحمة عليهم فيستفيد منها من كان عندهم ... و حدیث شد الرحال خاص بالمساجد الثلاثة و لا يصلح أن يكون حجة للمنع من زيارته المحلات الأخر التي يتبرك بها». [38]

اما توسل به مقام و منزلت اموات به سبب این اعتقاد که آنها متقرب الى الله و عندالله و من الله هستند، اشکالی ندارد. زیارت قبور آنها هم بدون اشکال است؛ همان‌طور که صاحب مدخل، در جزء اول، در باب زیارت قبور و جواز سفر برای زیارت قبور گفته است. اما آنچه پیامبرصل الله علیه و آله و سلم فرموده که «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد مسجده والمسجد الأقصى والمسجد الحرام»، این برای تفاوتی است که برای این سه مسجد از حیث ثواب وجود دارد اما سایر مساجد تفاوتی از حیث ثواب ندارند و لذا این حدیث شامل آنها نمی‌شود. همچنین، این سخن پیامبرصل الله علیه و آله و سلم و نهی ایشان شامل زیارت قبور انبیا و صالحان نمی‌شود؛ چراکه برخی از آنها اقرب به خدا از دیگری بوده‌اند و برای همین، سفر به منظور زیارت قبورشان و تبرک جستن به آنها در حالی که در حال موت هستند، جایز است، همچنان که این کار در حال حیات آنها هم جایز است؛ چون نشست و برخاست با آنها برکت است و گاهی

رحمت الهی بر آنان نازل می‌شود، و افرادی که نزدشان هستند، بهره‌مند می‌شوند ... حدیث «لا تشد الرحال» مخصوص آن سه مسجد است و صلاحیت حجت و دلیل بودن برای منع از زیارت اماکن دیگری که به آنها تبرک می‌شود، ندارد.

23. محمد عزت دروزه، از مفسران سنی قرن چهارده هجری، درباره فضیلت زیارت قبر شریف نبویصل الله علیه و آله و سلم و سفر برای این مقصود و سیره مسلمانان در این زمینه می‌نویسد: «هناك أحاديث نبوية عديدة في فضل يثرب التي سميت بالمدينة المنورة و حرمتها و مسجد النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فيها و شد الرحال و الصلاة فيه و زيارة قبره الشريف. فصارت زيارة هذه المدينة و الصلاة في مسجد النبي (ص) و زيارة قبره الشريف مما درج عليه المسلمون في كل وقت و بخاصة حجاجهم حينما يأتون إلى مكة لأداء فريضة العمرة و الحج»؛ [39] روایات نبوی زیادی درباره فضیلت یثرب، که مدینه منوره نامیده شده، و حرمت آن و حرمت مسجد النبویصل الله علیه و آله و سلم وجود دارد. لذا زیارت این شهر و نماز در مسجد النبویصل الله علیه و آله و سلم و زیارت قبر شریف آن حضرت از امور رایج میان مردم در هر زمانی بوده است؛ مخصوصاً وقتی مردم به مکه برای ادای فريضة حج و عمره می‌آیند.

24. نعمان بن محمود آلوسی، متوفای 1317 ه.ق.، درباره سیره مسلمانان در زیارت مرقد منور نبویصل الله علیه و آله و سلم به امید نزول برکت و رحمت بر زائرین و نایل شدن به شفاعت آن حضرت و تفاوت نداشتن ذکر توسل و استغاثه و تشفع به آن حضرت و به غیر ایشان، از سایر انبیا و اولیاءالله، می‌گوید: «و لم یزل الناس في جميع الأزمان من جميع البلدان مجمعين على زيارة قبره المنيف، رجاء الخیر و البركة، و الطمع في الشفاعة، و لا فرق بين ذكر التوسل و الاستغاثة و التشفع، و التوجه به - صلى الله عليه وسلم - أو بغيره من الأنبياء، و كذا الأولياء». [40]

بدیهی است که مقدمه زیارت قبور صالحان و انبیا برای توسل و استغاثه و مانند آن جز با شدّ رحال و مسافرت امکان‌پذیر نیست؛ و احدی از مسلمانان هم چنین ادعایی نکرده است. بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه بگوییم چنین مسافرت‌هایی مندوب و لاقبل مباح است.

25. علامه محمود سعید ممدوح، از علمای معاصر اهل سنت، زیارت قبر شریف نبوی و سفر برای این منظور را مستحب می‌داند. وی دلایلی چند برای این مدعا ذکر می‌کند. از جمله دلایل او آیه 64 سوره نساء (وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً) است. وی در تقریر این دلیل و اینکه این آیه مختص به زمان حیات آن حضرت نبوده و شماری از مفسران هم چنین برداشتی از آیه کرده‌اند، و کسانی که خلاف این مطلب گفته‌اند، دچار خطا شده‌اند، می‌گوید: «هذه الآية تشمل حالة الحياة و بعد الممات و من اراد تخصيصها بحال الحياة فما اصاب لان الفعل [ای فعل «جاؤك»] فی سياق الشرط، يفيد العموم ... و قال شيخنا العلامة السيد عبد الله بن الغماری: فهذه الآية عامة تشمل حالة الحياة و حالة الوفاة و تخصيصها باحدهما يحتاج الى دليل و هو مفقود هنا. فان قيل: من اين اتى العموم حتى يكون تخصيصها بحالة الحياة دعوى تحتاج الى دليل؟ قلنا من وقوع الفعل فى سيق الشرط و القاعدة المقررة فى الاصول: ان الفعل اذا وقع فى سياق الشرط كان عاما لان الفعل فى معنى النكرة لتضمنه مصدرًا منكرًا و النكرة الواقعة فى سياق النفى او الشرط تكون للعموم وضعاً ... فالآية الشريفة طالبة للمجىء اليه (ص) فى جميع الحالات لوقوع «جاؤك» فيها فى حيز الشرط الذى يدل على العموم و قد فهم المفسرون من الآية العموم». [41]

محمد بن صالح عثيمين، که ظاهراً تا 1362 ه.ق. زنده بوده است - در خصوص استدلال به آیه

فوق چند اشکال کرده است: نخست اینکه در این آیه ظرف «اذ» به کار رفته که برای زمان ماضی است نه مستقبل. بنابراین، مضمون آیه هیچ ارتباطی به بعد از وفات پیامبرصل الله علیه و آله و سلم ندارد. دوم اینکه طبق نقل برخی روایات (مثل روایت «إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جاریة، أو علم ینتفع به، أو ولد صالح یدعو له») انسان بعد از رحلت از دنیا قادر به انجام دادن هیچ کاری نیست و این حقیقت شامل رسول خداصل الله علیه و آله و سلم هم می‌شود. لذا ایشان قادر نیستند برای گنه‌کاران استغفار کنند. حتی ایشان برای خودشان هم نمی‌توانند این کار را انجام دهند.[42]

علامه ممدوح در پاسخ به وی متذکر این نکته می‌شود که ظرف «اذ» برای مستقبل هم کاربرد دارد. وانگهی این ادعا که حضرت رسولصل الله علیه و آله و سلم بعد از وفات کاری نمی‌تواند انجام دهد و قادر به استغفار نیست و حیات ندارد، کاملاً نادرست است. متن سخن ممدوح بدین قرار است: «اما قصره "اذ" علی الزمن الماضي فقط ففیه نظر؛ لان "اذ" کما تستعمل فی الماضي فتستعمل ایضاً فی المستقبل ... و قد نص علی ان "اذ" تستعمل للمستقبل الازهری فقال فی تهذیب اللغة (ج15، ص14): العرب تضع "اذ" للمستقبل ... قال الله عز و جل: (وَلَوْ تَرَى إِذْ قَرَعُوا قُلُوبًا وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ) (سوره سبأ، آیه 51) ... [43] استغفار سیدنا غیر متعذر لامور الاول: قد صح ان النبی قال: ان الانبياء احياء فی قبورهم يصلون ... و قال رسول الله: مررت علی موسی [فی لیلۃ المعراج] و هو قائم یصلی فی قبره ... و قال ابن القيم فی «نونيته» عند الکلام علی حیاة الرسل بعد مماتهم[44]... : والرسل اکمل حالة منه [ای من الشهید] بلا شک ... فلذلک کانوا بالحیات احق من شهدائنا بالعقل والبرهان ... الثانی: ثبت ان النبی قد صلی اماماً بالانبياء (عليهم السلام) فی الاسراء و هذا متواتر و کانوا قد ماتوا جميعاً و راجعه موسی فی الصلوات و رأى غیره [ای غیر موسی] فی السماوات. فمن کان هذا حاله فكيف يتعذر علیه الاستغفار ... الثالث: قد صح ان النبی قال: حیاتی خیر لكم تحدثون و يحدث لكم و وفاتی خیر لكم تعرض علی اعمالکم فما رأیت من خیر حمدت الله علیه و ما رأیت من شر استغفرت لكم ... الرابع: استغفار الرسول حاصل لجميع المؤمنین سواء من ادرك حیاته او من لم یدرکها قال الله تعالی: "استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات"، و هذه منة من الله تعالی و خصوصية من خصوصیات سیدنا رسول الله. و قد سبق مما سبق ان الامور الثلاثة المذكورة فی الآیة و هی: 1. المجيء الیه؛ 2. الاستغفار؛ 3. واستغفار الرسول للمؤمنین ... حاصلة فی حیاته و بعد انتقاله».[45]

علامه ممدوح درباره سیره تمامی مسلمانان، یعنی زیارت مرقد مطهر نبوی، قبل یا بعد از مناسک حج، می‌نویسد: «و ما زال الحجاج علی مدى قرون عديدة یأتون للزيارة قبل او بعد المناسک متشرفین بالوقوف بین یدی المصطفى یسلمون علیه فیرد علیهم السلام و یدعون و یستغفرون».[46]

نتیجه

با تأمل در برخی آیات، و مطالعه شماری از روایات اهل سنت درباره زیارت، و تحقیق در فتاوا و آرای علمای اهل سنت در این خصوص، و توجه به سیره عملی رسول خداصل الله علیه و آله و سلم و اهل بیت و بزرگان صحابه و تابعین و علما و مسلمانان مشخص می‌شود که زیارت قبور، به ویژه قبور صالحان و انبیا، و در رأس آنها پیامبر اعظم اسلام، فضیلت دارد و بر آن تأکید شده است؛ و چون مقدمه زیارت قبور، طی طریق و شد رحال برای این منظور است، سفرهای زیارتی هم به دلالت التزامی - به فرض اینکه هیچ روایتی در خصوص ترغیب به چنین سفرهایی وجود نداشته باشد و هیچ فقیهی به صراحت به استحباب یا اباحه چنین سفرهایی فتوا نداده

باشد - مستحب و لااقل مباح و مشروع است.

منابع

1. ابن عابدین، حاشیه رد المختار، بیروت: دار الفکر، 1415.
- بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الطبعة الاولى، 21417
3. بهوتی، منصور بن یونس، کشف القناع، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، 1418.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، انوار درخشان، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی، الطبعة الاولى، 1404.
- حصنی دمشقی، تقی الدین، دفع الشبه عن الرسول والرسالة، قاهره: دار احیاء الکتب العربی، 1418.
6. خطیب شربینی، محمد، مغنی المحتاج، بیجا: دار احیاء التراث العربی، 1377.
7. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، 1383.
- رعینی، خطاب، مواهب الجلیل، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، 1416.
9. عبدری فاسی مالکی المشهور بابن الحاج، أبو عبد الله، المدخل، بیجا: دار الفکر، 1401.
10. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، بیروت: دار المعرفه، الطبعة الثانية، بی تا.
11. عینی، بدر الدین، عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری، بیجا: دار الفکر، بی تا.
- کحلانی، محمد بن اسماعیل، سبل السلام، مصر: مصطفی البابی الحلبي و اولاده، الطبعة الرابعة، 1379.
13. مبارکفوری، ابو العلا، تحفة الاحوذی، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، 1410.
- ملاحویش آل غازی، عبد القادر، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، الطبعة الاولى، 1382.
- ممدوح، محمد سعید، رفع المنارة لتخريج احادیث التوسل والزيارة، اردن: دار الامام النووي، الطبعة الاولى، 1416.
- واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: مؤسسة الأعلمیة، الطبعة الثالثة، 1989/1409.

پاورقی ها

- [1]. نک.: سید محمدحسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج10، ص221.
- [2]. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج6، ص352.
- [3]. «نظیف» واژه‌ای است که در کتاب‌های رجالی اهل سنت به کار می‌رود و ظاهراً به معنای موثق بودن رجال حدیث است.
- [4]. نک.: محمد سعید ممدوح، رفع المناره، ص289.
- [5]. نک.: همان، ص263 و 264.
- [6]. همان، ص51 و 52.
- [7]. یحیی بن شرف نووی، المجموع، ج8، ص272.
- [8]. خطیب شربینی، مغنی المحتاج، ج1، ص512.
- [9]. همان.
- [10]. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج1، ص313.
- [11]. خطاب رعینی، مواهب الجلیل، ج3، ص51.
- [12]. أبو عبد الله عبدری فاسی مالکی، المدخل، ج1، ص390.
- [13]. خطاب رعینی، مواهب الجلیل، ج3، ص51.
- [14]. أبو عبد الله عبدری فاسی مالکی، المدخل، ج1، ص259.

- [15]. خطاب رعینی، مواهب الجلیل، ج3، ص50.
- [16]. ابو العلا مبارکفوری، تحفة الاحوذی، ج3، ص275.
- [17]. یحیی بن شرف نووی، المجموع، ج5، ص310 و 311.
- [18]. همان، ج8، ص272.
- [19]. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العینین فی محاکمة الاحمدین، ص499.
- [20]. تقی الدین حصنی دمشقی، دفع الشبه، ص188.
- [21]. همان.
- [22]. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العینین، ص499.
- [23]. محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج10، ص107.
- [24]. تقی الدین حصنی دمشقی، دفع الشبه، ص181 و 182.
- [25]. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العینین، ج1، ص500.
- [26]. بدر الدین عینی، عمدة القاری، الجزء التاسع، ص241.
- [27]. زکریا بن محمد انصاری، فتح الوهاب، ج1، ص267.
- [28]. منصور بن یونس بهوتی، کشف القناع، ج2، ص174 و 175.
- [29]. همان، ج2، ص598.
- [30]. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العینین، ج1، ص500.
- [31]. منصور بن یونس بهوتی، کشف القناع، ج2، ص174 و 175.
- [32]. همان، ج2، ص598.
- [33]. همان، ج1، ص618.
- [34]. محمد بن اسماعیل کحلانی، سبل السلام، ج4، ص114 و 115.
- [35]. ابن عابدین، حاشیة رد المختار، ج2، ص262.
- [36]. همان، ج2، ص689 و 690.
- [37]. نک.: محمد شوکانی، نیل الاوطار، ج5، ص180 و 181.
- [38]. ملا حویش آل غازی، بیان المعانی، ج6، ص325.
- [39]. محمد عزت دروزه، التفسیر الحدیث، ج6، ص349 و 350.
- [40]. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العینین، ص504.
- [41]. محمد سعید ممدوح، رفع المناره، ص57.
- [42]. نک.: همان، ص61.
- [43]. در اینجا علامه ممدوح چند شاهد دیگر هم ذکر کرده است.
- [44]. وقتی مردگان عادی از کسانی که به زیارتشان می‌آیند، اطلاع دارند، حال پیامبران به ویژه خاتم آنان چگونه خواهد بود؟ ابن‌واسع درباره اطلاع اموات از زائران خود می‌نویسد: «ان الموتی یعلمون بزوارهم یوم الجمعة و یوماً قبله و یوماً بعده»؛ خطاب رعینی، مواهب الجلیل، ج3، ص51.
- [45]. محمد سعید ممدوح، رفع المناره، ص61-64.
- [46]. همان، ص60.